■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۵۸۳ ■ یکشنبه ■ ۱۷ اسفند ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۵ | اذان مغرب ۱۸/۲۴ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۳ | اذان صبح فردا ۵/۰۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۴

سخن روز

امام جعفر صادق (ع):
صبر سر ایمان است.
اصول کافی، ج ۳، ص ۱۴۰

لوریس چکناواریان: واکسن کرونای ایرانی تزریق می‌کنم

امیدوارم که هرچه سریع‌تر واکسیناسیون به صورت سراسری آغاز شود، این اقدام می‌تواند برای تمام مردم امیدبخش باشد، خوشبختانه شنیده‌ام که پزشکان داخلی به سرعت مشغول آغاز این واکسیناسیون هستند و شخصاً به محض اینکه این اقدام عمومی شود برای حفظ سلامتم واکسن می‌زنم. صحبت‌هایی پیرامون واکسن داخلی یا خارجی بیماری کرونا مطرح شده است، ترجیحاً وقتی که می‌بینم پزشکان داخلی نزدیک به یک سال روبه روی این بیماری ایستاده و جنگیده‌اند وظیفه خود می‌دانم که از آنها حمایت کنم، آنهایی که در سخت‌ترین شرایط موجود لحظه‌ای تعلل نکردند و شاهد بودیم که به خاطر مردم از جان خود نیز گذشتند. آنچه مشخص است اینکه شخصاً واکسن داخلی کرونا یا واکسنی را که مورد تأیید پزشکان داخلی باشد؛ تزریق می‌کنم، مطمئنم که این اقدام می‌تواند الگویی مناسب برای این باشد که تمامی افراد به طور جامع شروع به انجام این اقدام عمومی کنند.

بخشی از گفت و گوی این آهنگساز و رهبر ارکستر با خبرگزاری میزان

زن‌ها، گاهی اوقات حرفی نمی‌زنند، چون به نظرشان لازم نیست که چیزی گفته شود! تنها با نگاهشان حرف می‌زنند و ... به اندازه یک دنیا با نگاهشان حرف می‌زنند، اگر زنی برایتان اهمیت دارد، از چشمانش به سادگی نگذرید! به هیچ وجه.

سوء‌تفاهم / سیمون دوبووار
مترجم :مهستی بحرینی

نـــگاره
احسان نوری نجفی

از خودم باید رها شوم
مثل قاصدک‌ها تن به نرمی باد بسپارم

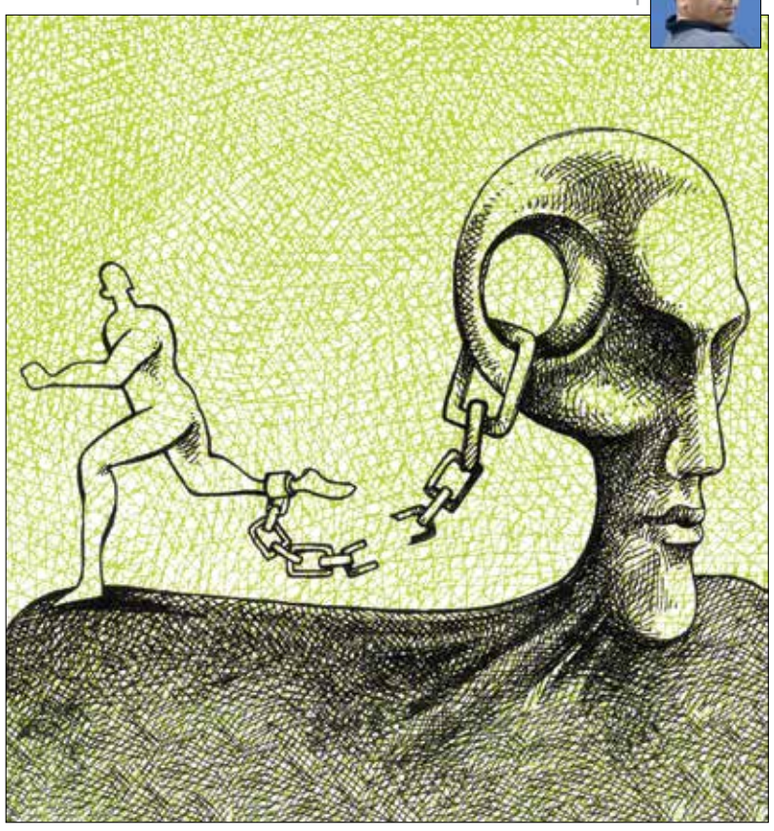

جایزه باربد انگیزه خوبی برای جوانان هنرمند است

یادداشت

محمدرضا چراغعلی
آهنگساز

وجود جایزه باربد در جشنواره موسیقی فجر باعث ایجاد انگیزه‌ای برای جوان‌هایی است که وارد رشته موسیقی شده‌اند و می‌خواهند دیده شوند. در ایران موزیسین‌ها به خوبی دیده نمی‌شوند و اکنون که جشنواره موسیقی فجر وجود دارد و به این امر توجه می‌کند، جای شکر دارد چرا که نشان می‌دهد به هنرمندان و جوانان فکر کرده‌اند و چنین فضایی در اختیار هنرمندان موسیقی قرار داده‌اند. اگر به دو سال قبل برگردیم و به این نکته توجه کنیم که در این دو سالی که جایزه باربد نبود آمار شرکت کنندگان در جشنواره موسیقی فجر هم پایین آمد و این موضوع نشانه توجه و علاقه هنرمندان به رقابت دیده شدن است. از سوی دیگر جایزه باربد ۳۰ میلیون تومان است، این امر علاوه بر تشویق معنوی با تشویق مالی همراه است که باید گفت انگیزه مالی شوق بسیاری در جوانان ایجاد می‌کند.

این بخشی از تأثیر جایزه بر فرد است اما باید گفت که این جایزه شاید تأثیر چندانی در آینده آهنگسازی فرد برنده نداشته باشد، اما می‌تواند انگیزه بسیاری درهنرمند ایجاد کند. دنیای موسیقی با هنرهای دیگر بسیار متفاوت است. مثلاً اگر یک هنرمند تجسمی در حراج تهران اثرش با قیمت بالایی به فروش رود و یا در حراج‌های ساتبیز و دوبی قطعاً درآینده کاری آن هنرمند تأثیر بسزایی می‌گذارد. هم در فروش آثارش و هم در شهرتش. اما در موسیقی بازار موسیقی با جشنواره کاملاً متفاوت است. آنچه که در جشنواره ارزیابی می‌شود با آنچه که مردم آن را می‌خرند، بسیار فرق دارد.

حتی معیارها برای سنجش فردی که جایزه می‌گیرد هم متفاوت است. مهم این است که یک هنرمند چقدر سواد دارد، چه خلاقیتی در آهنگسازی و کار دارد. هنرمندان واقعی با سختی‌های بسیاری مواجهند. در حقیقت آثار موسیقی ارزشمند در بین عوام جایگاهی ندارند. مثال ملموس آن هم فیلم‌هایی است که در برخی فستیوال‌ها و جشنواره‌ها جایزه می‌گیرند و در دنیا از آنها به خوبی استقبال می‌شود اما وقتی وارد گیشه سینما می‌شوند، فروش گیشه ندارند. آثار موسیقایی هم به همین نحو در ایران بازخورد دارد. خیلی از آثار با ارزش در بین هنرمندان و در دنیای موسیقی با اقبال خوبی مواجه می‌شود. اما همچون فیلم‌های باارزش که فروش گیشه‌ای خوبی ممکن است نداشته باشند آنها هم با همین جریان مواجه می‌شوند. با این حال جایزه باربد نقش مهمی دارد و بودنش برای تشویق هنرمندان جوان ضروری است.

به بهانه جایزه ملی عارف

شعر خوش گفتی وُ چنگ‌تر زدی

پیاده رو

ارمغان بهداروند
شاعر

انتشار گفتمان عصر مشروطه، مرهون موسیقی و شعر است. نظام رسانه‌ای هنر پیشروتر از پیاده‌نظام مشروطه‌خواهی، به تکمیل و ترویج گفتمانِ سیاسی قدم برداشت و بیداری بیشتر جامعه ایرانی را رقم زد. بافت فرسوده فکری توده از پس خرده‌نهضت‌هایی هم چون «روزنامه»، «ترجمه»، «مدرسه» و «اعزام‌های تحصیلی به فرنگ» که عموماً خاستگاهی طبقاتی و اشرافی داشتند آماده آواربرداری بود که با ظهور ادبیات وُ موسیقی مشروطه وَ عمومی‌تر شدن معارضانِ حاکمیت، مأموریت غیرممکنِ تحول اجتماعی و نوزایی سیاسی ممکن شد. «ادبیات» با دگرگونی نظام زبانی و تجددخواهی در شکل و معنا، تقرب بیشتری به مردم پیدا می‌کند و «موسیقی» با خروج از خلوت‌های خصوصی و حرکت به سمت اجراهای کنسرتی، مخاطبان جدیدی را به خود جذب کرد. این دو رسانه رسا، به حرکت پیدایش و پیمایش خردورزی در طبقاتِ اجتماعی فرادست و فرودست شتاب بخشیدند و تجدد مبتنی بر مشروطه‌خواهی با تأکید بر گزاره‌های «ملت»، «وطن»، «آزادی» و رواج نقد قدرت با ابزارهای هنری را دامن زدند.

در چنین احوالی؛ «عارف قزوینی» بواسطه روشن‌اندیشی سیاسی و غلبه روحیه انتقادی نماینده شعر و موسیقی عصر مشروطه می‌شود و با نفوذ در توده‌ها، کارکرد موسیقی قجری را از شکل حرمسرایی به حریم شهروندی منتقد که رویدادهای معاصر خویش را به دقت زیر نظر دارد استفاده می‌کند و با هم‌لحنی با مردم به‌عنوان جامعه هدف، آرایش گفتمانی تازه‌ای را برای شعر خود برمی‌گزینند و در این آرایش مقبول بر اصالت عقل، مردم‌دوستی، آزادیخواهی و استبداد ستیزی و روشنفکری مذهبی تأکید می‌کند.

آثاری جاودانه که معرف نبوغ و مبلغ زمان‌آگاهی عارف محسوب می‌شوند و از پس چند نسل هنوز قابلیت اقناع و اشباع اجتماعی خود را حفظ کرده‌اند. تصانیفی که در ادامه اراده مردم، شناسنامه عصر مشروطه شدند و آشکارا، به محبوب‌تر شدن مشروطه‌خواهان و مغضوب‌تر شدن مشروطه‌ستیزان منتهی شد. «دل هوس سبزه وصحرا ندارد»، «آی آمان از فراقت آمان»، «از خون جوانان وطن لاله دمیده»، «گریه را به مستی بهانه کردم»، «باد خزانی، زد ناگهانی، کرد آن‌چه دانی» گرانمایه آثاری هستند که گویی در حصر زمان و مکان باقی نمانده‌اند و در ادوار پس از مشروطه نیز مهیج شنوندگان و الهام هنرمندان بوده است. «جایزه ملی عارف» باید با تکیه بر میراث مغتنم دیروز، مولد اشتیاق نسلی باشد که به اضطراب و اضطراب زیسته است و خیرخواهانه به تقلایی برای شناخت داشته فرهنگی‌اش هدایت نشده است. شاید این روزها که «نورسیده‌ها» برای دیده شدن به هر خفتی رضا می‌دهند، این جایزه بتواند جمال و جلال دستگاه موسیقی ایرانی را یادآوری کند و به شور و شعوری که متولد مواجهه با این میراث است، به مداوای امراض و اغراض بپردازد. عارف قزوینی به مصداقِ «شعر خوش گفتی وُ چنگ‌تر زدی» الگوی شعر شریف وَ ترانه شریف است و فرجام این جایزه امیدواریم افزون شدن خوش‌گویان و ترچنگان باشد.

مکالمه ابلموفی

پیشنهاد

مهدی زرین قلم
کارشناس و منتقد

فیلم «مکالمات» اولین فیلم بلند رضا رزم است که از ۲۹ بهمن در سینمای هنر و تجربه روی پرده رفته‌است. فیلمی به ظاهر ساده و مبتنی بر دیالوگ که براساس فیلمنامه‌ای از رضا رزم، سبحان حسین آبادی ساخته شده است. داستان درباره بیژن است. او مجرد است و تنها زندگی می‌کند. او دانش آموخته فیزیک است و به تدریس مشغول است. بیژن مدتی است که می‌خواهد دلیل اصلی اینکه چرا از نگاه دیگران انسان موفقی نیست، در خودش پیدا کند.

همانطور که گفته شده فیلم دیالوگ محور است بیژن با بازی مرتضی خدمتلو تنها تضاد سازنده فیلم گفت‌وگوها نیست. هرچه از زمان فیلم می گذرد تنها تضاد کارگردان و فیلمنامه‌نویس نیست. هرچه از زمان فیلم می‌گذرد تضاد شخصیتی بیشتر می‌شود و گفت‌وگوها لحن ابلموفی و خنثی بازیگر، شخصیتی یکدست می‌گیرد. شخصیتی که در پایان داستان چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای به سمت زندگی می‌کند و مسأله در قالب دست‌اندازی در جاده پشت سر گذاشته می‌شود.

الگویی مشابه رفتار عمومی در دو، سه دهه اخیر؛ نوعی تخلیه روانی فشار همه جانبه اجتماعی در دوره‌های کوتاه و با فاصله زیاد. فرد زیر ذره بین در گفت‌وگوها به این ترتیب نمونه‌ای است از افرادی به ظاهر رنگارنگ با سرنوشتی همسان. مسائلی که فرد با آنها رودررو می‌شود یا تخیلات باطل است یا زیاده طلبی و درنتیجه بی‌ربط به نظام اجتماعی و قابل چشم پوشی. از دید افراد این تضادها و هر تضاد دیگری رویاروی تمامیت نظام اجتماعی مانعی است در مسیر مسابقه. آسیب شناسی اجتماعی همراه با آسیب شناسی فردی در همین جهت تعدیل و بازنویسی شده و فرد و گروه از دستیابی به پاسخ محروم هستند. موضوعات روزمره گفت‌وگوها در فیلم جدا از نقشی که در پیرنگ و پرداخت داستان دارند تضادی با بحران حیات ستیز فعلی می‌سازند که خنثایی شخصیت را در پایان کار به کمال می‌رساند.به این شکل فیلم راه نجاتی در انکار خود می‌یابد.

■ «مکالمات»
■ کارگردان: رضا رزم

به نام تاریخ

■ ۱۷ اسفند

سال ۱۳۸۲ در چنین روزی قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و پس از آن کتابخانه‌های عمومی به نهاد عمومی غیردولتی تبدیل شدند.

■ تولدها

محمد طاهرپور: یکی از خوانندگان مطرح موسیقی سنتی ایرانی سال ۱۲۹۰ در چنین روزی به دنیا آمد. محمد طاهرپور برادرزاده حسین طاهرزاده خواننده مشهور آن زمان بود و از عبدالحسین صدر که گوشه صدری در افشاری منسوب به اوست، آواز را یاد گرفت. طاهرپور با صدای گرم و تحریرهای استادانه مشهور بود و در شعرخوانی مانند ادیب و تاج اصفهانی شهرت داشت. از طاهرپور آوازهای زیادی به جا نمانده اما به گفته استادان موسیقی یکی از معروف‌ترین خوانندگان تاریخ ایران بوده است. او سال ۱۳۸۳ درگذشت.

برایان کرانستون: بازیگر مشهور سریال «برکینگ بد» امروز ۶۵ ساله می‌شود. برایان کرانستون بازیگری را در تئاترهای محلی لس آنجلس آغاز کرد و با بازی در نمایش «دره سن فرناندو» به طور جدی وارد این حرفه شد. او از ۱۹۸۰ در آگهی‌های تبلیغاتی بازی می‌کرد و پس از آن شروع به صداگذاری روی انیمیشن‌های ژاپنی کرد. سریال «دوست داشتن» و «از کره زمین به کره ماه» نخستین تجربه او در تلویزیون بود و پس از آن با بازی در سریال «فلش» مطرح شد. «نجات سرباز رایان» نخستین بازی او در سینما بود اما کرانستون بیشتر با سریال‌ها شناخته می‌شود. «ساینفلد» و «دنیای مالکوم» دیگر سریال‌های او بودند که برای «دنیای مالکوم» نامزد جایزه امی شد. سال ۲۰۰۸ بازی در سریال مشهور «برکینگ بد» و نقش والتر وایت را آغاز کرد که تا سال ۲۰۱۳ ادامه داشت و بیشتر به شهرت رسید. او برای این نقش جایزه امی را دریافت کرد.

■ **آلساندرو مانزونی** شاعر ایتالیایی و **ریچل وایس** بازیگر امریکایی هم متولد امروز هستند.

■ درگذشت‌ها

حسین قوامی: یکی از نخستین خوانندگان دوره جدید موسیقی اصیل ایرانی سال ۱۳۶۸ در چنین روزی درگذشت. حسین قوامی متولد ۱۲۸۸ بود و از کودکی به موسیقی علاقه داشت. وقتی حسین خان اسماعیل‌زاده نوازنده تار و موسیقیدان که در همسایگی خانواده قوامی زندگی می‌کرد، صدای او را در ۱۰ سالگی شنید از پدر حسین قوامی خواست تا اجازه دهد به او تدریس کند اما پدر مخالف بود. با وجود این مخالفت‌ها، حسین قوامی با پنهانی گوش دادن به کارهای خوانندگانی مانند سیدحسین طاهرزاده و تقلید از آنها کارش را ادامه داد و در دوران جوانی از عبدالله حجازی به‌صورت پنهانی آواز را یاد گرفت. سال ۱۳۲۵ به او پیشنهاد کار در رادیو داده شد و او به‌صورت ناشناس کارش را با همکاری مجید وفادار، حمید وفادار و علی تجویدی آغاز کرد. پس از ۶ ماه کار در رادیو روح‌الله خالقی نام مستعار «فاخته» را برای او انتخاب کرد. او از ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۴ در رادیو کار می‌کرد و از جمله خوانندگانی بود که صدایش به طور دقیق با ساز مطابقت داشت و آواز را به وضوح ادا می‌کرد. او اجراهای زیادی در برنامه‌های گل‌های تازه، برگ سبز و گل‌های جاویدان رادیو داشت و «سرگشته»، «شب جدایی»، «جوانی» و «تو ای پری کجایی» از مشهورترین قطعاتی است که اجرا کرده است.

احمد عبادی: یکی از مشهورترین نوازندگان سه تار سال ۱۳۷۱ درگذشت. احمد عبادی متولد ۱۲۸۵ بود و از ۷ سالگی نواختن سه تار را از پدرش یاد گرفت. در جوانی به شکلی این ساز را می‌نواخت که شبیه هیچ کدام از نوازنده‌های همدوره خودش نبود. عبادی به رادیو راه پیدا کرد و در دوره‌ای که سه تار تقریباً فراموش شده بود دوباره این ساز را در رادیو معرفی و مطرح کرد. او با بزرگان موسیقی مانند رضاقلی میرزا ظلی، غلامحسین بنان، حسین قوامی، محمدرضا شجریان، فرامرز پایور و علی تجویدی همکاری داشت. عبادی کوک‌های مختلف در سه تار را ابداع کرد و روش کوک نوینی برای سه تار از ابداعات اوست. او سال‌ها تدریس می‌کرد و همنوازی‌های او با غلامحسین بنان و محمدرضا شجریان در برنامه گل‌ها ضبط شده و اجراهایش با شهرام ناظری قابل شنیدن است.

هوشنگ ظریف: نوازنده برجسته تار سال گذشته در چنین روزی درگذشت. هوشنگ ظریف در سال ۱۳۱۷ به دنیا آمده بود و در هنرستان موسیقی ملی تحصیل کرد و شاگرد استادانی چون موسی معروفی، علی اکبر شهنازی، روح‌الله خالقی و جواد معروفی شد. ظریف سال‌ها به‌عنوان نوازنده و تکنواز در ارکسترهایی چون ارکستر موسیقی ملی، ارکستر صبا و گروه پایور حضور داشت و با خوانندگان مطرحی چون محمدرضا شجریان، عبدالوهاب شهیدی و نادر گلچین همکاری کرد. ظریف کنسرت‌های مختلفی در امریکا و کشورهای اروپایی داشت که باعث شناساندن موسیقی ایرانی در این کشورها شد.

#اینترنت

هشتگ

دیروز نمایندگان مجلس مصوب کردند از محل درآمد ناشی از افزایش ۱۰ درصدی حق‌السهم دولت از اپراتورهای اینترنت، صرف «ارائه محتوای تولیدی توسط ساترا» و«مقابله با تهدیدات اینترنت ماهواره‌ای»، «حمایت از تولید محتوا در فضای مجازی» و«الزام وزارت ارتباطات به اجرای شبکه ملی اطلاعات تا پایان ۱۴۰۰» و... شود. این خبر بازتاب زیادی بین کاربران داشت و درباره گرانی اینترنت و اثرات آن نوشتند. امیر ناظمی، معاون وزیر ارتباطات و رئیس سازمان فناوری اطلاعات هم در توئیترش نوشت: «آیا مجلس می‌تواند پول خزانه را که متعلق به همه مردم ایران است به یک شرکت غیردولتی تخصیص دهد؟ آیا ازاین پس شاهد تصویب بودجه برای شرکت‌های غیردولتی هم خواهیم بود؟ سهامداران مخابرات شاید خوشحال باشند، اما بدعت تخصیص بودجه به شرکت‌های تجاری وانتفاعی می‌تواند زمینه‌ساز فساد شود!»

نظرات کاربران را درباره گرانی اینترنت و محل صرف درآمد آن بخوانید: «بالاخره با تلاش فراوان نمایندگان، مجلس تصمیم به «گران کردن» اینترنت گرفت. براین اساس حق‌السهم پرداختی شرکت‌های اینترنتی از سال ۱۴۰۰، به میزان ۱۰ درصد افزایش خواهد یافت. آقای آذری جهرمی هشدار داده بود که تصویب این پیشنهاد نمایندگان، باعث افزایش چشمگیر قیمت اینترنت خواهد شد.»، «به ولله گرونی اینترنت از گرونی بنزین تأثیرش روی زندگی مردم بیشتر خودشو نشون میده»، «خیلی جالبه. بودجه تصویب می‌کنند جلوی تکنولوژی رو بگیرن»، «اینترنت شبانه حذف شد اما ۱۰ درصد گران‌ترهم شد. من الان چجور فیلم دانلود کنم؟!»، «خب دیگه کم کم داریم می‌رسیم به عصر حجر. اینترنت قراره ۱۰ درصد گرون شه. دیگه کم کم داریم می‌رسیم به موقع‌هایی که با دود به هم پیام می فر ستا د ن . » ، «یعنی اینها نمی‌دانند مخابرات شرکت خصوصیه؟!»، «شاهکار کمیسیون تلفیق: تخصیص منابع به مخابرات (بودجه عمومی به شرکت خصوصی سازی شده!) برای مقابله با اینترنت ماهواره‌ای. خلاصه مصوبه: افزایش هزینه و کاهش دسترسی.+سورپرایز: اختصاص بودجه برای شرکت خصوصی شده «مخابرات»»، «یادتونه این چند روز چه ژستی گرفته بودن که ما نمی‌خوایم اینترنت گران بشه و [مثلاً] مصوب کرده بودن اپراتورها حق افزایش قیمت رو نخواهند داشت؟»، «به سلامتی با مصوبه مجلس اینترنت گران شد. تا شما باشید دیگه تو فجازی دور دور نکنید.»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

کلاب هاوس

ماجرا

چند روزی است بحث درباره کلاب هاوس، شبکه اجتماعی جدید، حسابی داغ است. این شبکه اجتماعی صوتی است و کاربرانش در روم‌ها (اتاق ها) درباره موضوعات مختلف بحث می‌کنند. چهره‌های مشهوری وارد کلاب هاوس شده‌اند و بحث‌های مختلف ایجاد می‌کنند که باعث جذابیت این شبکه شده اما فعلاً امکان استفاده از آن تنها برای کسانی که گوشی‌های جدید آیفون دارند امکانپذیر است. این روزها در اینستاگرام و توئیتر درباره کلاب هاوس زیاد می‌خوانیم: «حالا تا دیروز همه‌شون می‌گفتند: وای ما اونقدر از حرف زدن بیزاریم که مرگ رو به تلفن جواب دادن ترجیح می‌دیم... بعد ببین واسه کلاب هاوس چه سر و دستی می‌شکنند.»، «اندرویدی‌ها کلاب هاوس ندارن. عوضش گوشیشون شارژر داره»، «مردم دعوت‌نامه کلاب هاوس رو ۴۰۰ هزار تومان می‌فروشند»، «ما خودمون مهمونیامون شبیه کلاب هاوسه! ۲ نفر میرن بالا منبر از استاک مارکت یا فلان کمپانی تو سیلیکون ولی یا فلان تکنولوژی یا خاطرات دانشگاه شریفشون ۲ساعت مخمونو میخورن! تا میگی این پنیر رو بخورین عالیه، ۲ساعت از فرایند درست کردن پنیره میگن! حالا بریم کلاب هاوس باز همینا رو بشنویم؟!»، «همه این درونگراهای فراری از حرف زدن منزوی هم که تو کلاب هاوس رو منبرن»، «دعوت‌نامه کلاب هاوس چیه دیگه؟ من هنوز منتظرم از هاگوارتز (مدرسه هری پاتر) برام دعوت‌نامه بیاد»، «مشروح اخبار کلاب هاوس فارسی: می‌پرسند استقلالی هستی یا پرسپولیس؟! بعد هر کی می‌گفت استقلالی می‌انداختن بیرون»، «مثل اینکه ایرانی‌ها توانایی فارسی حرف زدن بدون کلمات انگلیسی رو از دست دادن. تک‌تک این اتاق‌های کلاب هاوس میری یکی داره از «آپورچونیتی‌هایی» که این «مدیای» جدید به «پاپیولیشن» ایرانی میده صحبت میکنه.»، «رفتم ببینم این کلاب هاوس که می‌گن چیه بعد دیدم ios۱۳ می‌خواد حداقل. خیلی بهم برخورد»، «این که کلاب هاوس اپ اندروید نداره باعث میشه احساس کنم مورد تبعیض واقع شدم. البته وقتی به حسم بعد پرداخت ۷۰ میلیون واسه یه آیفون فک می‌کنم اونقدرم حس بدی نیست»، «دوساعت رفتم تو کلاب هاوس و اندازه دو سال چیز یاد گرفتم. اینکه کلی آدم غیر متخصص بحث‌های تخصصی می‌کنن»، «آقا این کلاب هاوس داره جذاب میشه و با آدمایی که فکرشم نمی‌کردیم یه روز صحبت کنیم تو یه گروه نشستیم داریم صحبت می‌کنم درباره آینده»، «خیلی بده که به خاطر ios قدیمی نمی‌تونم برم کلاب هاوس. حس بچه‌ای رو دارم که عروسکش کهنه و قدیمی شده و تمام دوستاش عروسک نو خریدن.»، «آدمیزاد برای تصور تنها نبودن چه کارها که نمی کند!»

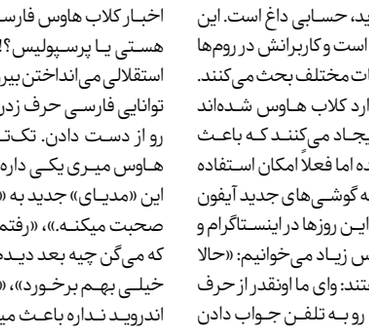

عکس نوشت
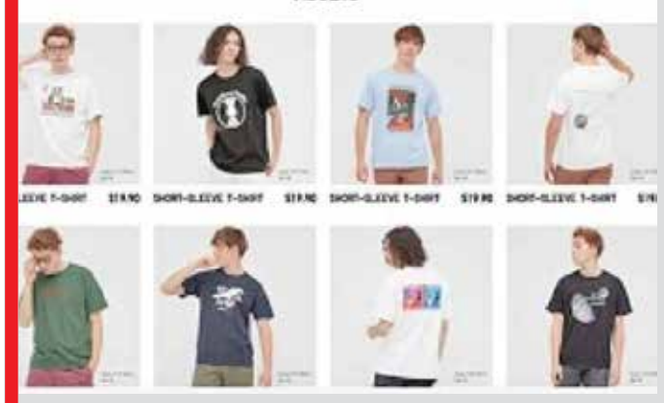
هاروکی موراکامی نویسنده ژاپنی را با رمان‌ها و داستان‌هایی مانند «کافکا در کرانه» و «از دو که حرف می‌زنم از چه حرف می‌زنم» می‌شناسید. اگر طرفدار این نویسنده هستید حتماً خوشحال می‌شوید که بدانید او تی‌شرت‌هایی را طراحی کرده که طرح بعضی از آنها از معروف‌ترین رمان‌هایش الهام گرفته است. روی این تی‌شرت‌ها طرح‌های کتاب‌هایی مانند «کافکا در کرانه» و «جنگل نروژی» طراحی شده و بعضی از آنها هم طرح‌هایی مربوط به گربه‌ها که حیوان مورد علاقه موراکامی است و موسیقی با نوشته‌هایی مخصوص دارد. قیمت هرکدام از این تی‌شرت‌ها حدود ۲۰ دلار است.